

---

**تاریخ ادبیات عصر عباسی**  
**در پرتو فرهنگ و تمدن ایرانیان باستان**

---

---

**دکتر وحید سبزیان پور**

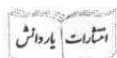
**استاد دانشگاه رازی**

---

انتشارات پادشاه

۱۳۹۴

|                     |                                                                                                                                       |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : سبزیان پور، وحید، ۱۳۳۷ -                                                                                                            |
| عنوان و نام پدیدآور | : تاریخ ادبیات عصر عباسی در پرتو فرهنگ و تمدن ایرانیان باستان / وحید سبزیان پور.                                                      |
| مشخصات نشر          | : تهران: یار دانش، ۱۳۹۴.                                                                                                              |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۴۴ ص.                                                                                                                              |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۶۳-۷                                                                                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیا                                                                                                                                 |
| یادداشت             | : واژه نامه. کتابنامه: ص. [۲۲۹] - ۲۴۴                                                                                                 |
| موضوع               | : ادبیات عربی -- قرن ۲ - ۳ ق. -- تاریخ و نقد؛ ادبیات عربی -- تاثیر ایران؛ فرهنگ عربی -- تاثیر ایران؛ عباسیان -- تاریخ -- ۱۳۲ - ۲۰۳ ق. |
| رده بندی کتبی       | : PJA۲۱۰۵ / ۲۲۲ س                                                                                                                     |
| رده بندی دیجی       | : ۸۹۲/۸۰۹                                                                                                                             |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۴۰۸۰۴۲۶                                                                                                                             |



۳۹۴

عنوان: تاریخ ادبیات عصر عباسی در پرتو فرهنگ و تمدن ایرانیان باستان

تألیف: دکتر وحید سبزیان پور

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۶۳-۷

ناشر: یار دانش

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

پاسداران، ساقدوش، بوستان نهم، پلاک ۳۷، زنگ یک غربی

تلفن: ۰۹۳۹۴۳۵۱۲۳۳-۲۲۷۷۸۹۹۵

Email: wsabzianpoor@yahoo.com

Telegram: @yaredanesh\_dr\_sabzianpoor

## فهرست مطالب

|    |                                                                  |
|----|------------------------------------------------------------------|
| ۱  | ..... مقدمه                                                      |
| ۱  | ..... فرهنگ و ادب ایرانیان باستان                                |
| ۵  | ..... فصل اول: اسلام و ایران، عوامل سقوط دولت بنی امیه           |
| ۷  | ..... ادب عباسی                                                  |
| ۸  | ..... پذیرش دین اسلام در ایران، اجبار یا استقبال                 |
| ۱۱ | ..... انگیزه حمله به ایران                                       |
| ۱۳ | ..... شیوه برخورد عرب‌ها با آثار فرهنگی ایرانیان                 |
| ۱۵ | ..... عوامل سقوط دولت بنی امیه                                   |
| ۱۵ | ..... ستم به اهل بیت پیامبر                                      |
| ۱۶ | ..... ستم به موالی و ایرانیان                                    |
| ۱۸ | ..... تعصب قبایل عرب                                             |
| ۲۱ | ..... فصل دوم: سرنگونی بنی امیه و حاکمیت بنی عباس                |
| ۲۳ | ..... نقش موالی و ایرانیان در سرنگونی بنی امیه و پیروزی بنی عباس |
| ۲۵ | ..... سیاست بنی عباس برای دستیابی به قدرت                        |
| ۲۶ | ..... آغاز دولت بنی عباس، حاکمان عباسی                           |
| ۲۷ | ..... رفتار بنی عباس با بنی امیه                                 |
| ۲۷ | ..... نزاع بنی عباس و علوی‌ها در جانشینی پیامبر                  |
| ۲۸ | ..... نامه نفس زکیه به منصور و پاسخ منصور                        |
| ۲۹ | ..... علاقه متقابل ایرانیان و اهل بیت پیامبر (ص)                 |
| ۳۱ | ..... نقش ایرانیان در تشکیل حکومت عباسی                          |
| ۳۲ | ..... اسراف بنی عباس و فقر مردم                                  |
| ۳۴ | ..... قیام‌های خونین ایرانیان                                    |
| ۳۴ | ..... نزاع ایرانیان و عرب‌ها در قالب اختلاف امین و مأمون         |
| ۳۵ | ..... فصل سوم: تأسیس دولت عباسی به دست ایرانیان                  |
| ۳۷ | ..... تأسیس دولت عباسی به دست ایرانیان                           |

|    |                                                                      |
|----|----------------------------------------------------------------------|
| ۳۸ | نیاز عرب‌ها به شیوه‌های حکمرانی ایرانیان                             |
| ۴۲ | شباهت خلافت بنی عباس و دولت ساسانی                                   |
| ۴۲ | تقلید از ایرانیان در نظام موروئی                                     |
| ۴۳ | ترجمه متون ایرانی به منظور تقلید از شیوه زمامداری ایرانیان           |
| ۴۶ | انتخاب بغداد به عنوان پایتخت حکومت عباسی                             |
| ۴۸ | بغداد در روزگار قبل از اسلام                                         |
| ۴۹ | اقدامات فرهنگی انوشیروان برای شکوفایی بغداد                          |
| ۵۰ | وجه تسمیه سورستان، دل ایرانشهر، عراق، بغداد، حیره و دیگر شهرهای عراق |
| ۶۳ | حضور تاریخی ایرانیان در منطقه عراق                                   |
| ۶۵ | <b>فصل چهارم: نقش فرهنگ ایرانی به فرهنگ عربی</b>                     |
| ۶۷ | نفوذ فرهنگ ایرانی به فرهنگ عربی                                      |
| ۶۸ | شکست نظامی و پیروزی فرهنگ ایرانیان                                   |
| ۶۹ | استمرار دیوان خراج به شیوه ایرانی و نقش دهقان‌ها                     |
| ۷۲ | نقش کنیزان در انتقال فرهنگ و تمدن سیاسی                              |
| ۸۰ | انتقال فرهنگ ایرانی بدون نیاز به نقل راسرجمه                         |
| ۸۰ | ولاء                                                                 |
| ۸۲ | مهاجرت ایرانیان به کوفه و بغداد                                      |
| ۸۲ | نقش ایرانیان در مقام وزارت                                           |
| ۸۵ | وزرگفتمدار دولت ساسانی و وزیر اعظم خلافت عباسی                       |
| ۸۷ | اندیشه توأم بودن دین و دولت در فرهنگ ایرانی و عباسی                  |
| ۸۸ | نظام تشریفات و پرده‌داری                                             |
| ۸۹ | دیوان‌های ساسانی در خلافت عباسی                                      |
| ۹۰ | تقلید خلفای عباسی از ساسانیان در لباس                                |
| ۹۰ | تأثیر خوراک‌های ایرانی در فرهنگ عربی                                 |
| ۹۲ | شطرنج، تخته نرد، چوگان، شکار و... در فرهنگ عباسی                     |
| ۹۳ | تأثیر موسیقی سبک ساسانی در فرهنگ عربی                                |
| ۹۵ | اعیاد ایرانی در فرهنگ عباسی                                          |
| ۹۵ | بی‌بند و باری ساسانیان و فرهنگ عربی                                  |
| ۹۶ | الحاد و زندقه ایرانیان                                               |
| ۹۷ | تعریف زندقه                                                          |
| ۹۸ | تحلیلی از طه حسین برای ظهور زندقه                                    |

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۱۰۰ | نقش ایرانیان در تحوّل خلافت به حکومت                      |
| ۱۰۲ | بازتاب شخصیت عرب در منابع عربی                            |
| ۱۰۷ | بازتاب شخصیت ایرانیان باستان در ادب عربی                  |
| ۱۱۵ | <b>فصل پنجم: جلوه‌های فرهنگ ایرانی در فرهنگ عباسی</b>     |
| ۱۱۷ | گرایش ایرانیان به فرهنگ اسلامی - عربی                     |
| ۱۱۸ | استقبال ایرانیان از زبان عربی و علوم اسلامی               |
| ۱۱۹ | تحلیل ابن خلدون در خصوص نقش ایرانیان در توسعه علوم اسلامی |
| ۱۲۲ | نقش ترجمه متون ایرانی به زبان عربی                        |
| ۱۲۳ | نقش ایرانیان در ترجمه متون یونانی                         |
| ۱۲۴ | حاکمیت زبان عربی در ایران                                 |
| ۱۳۰ | کتابت در دربار عباسی                                      |
| ۱۳۲ | رواج زبان فارسی در میان ب‌ها                              |
| ۱۳۳ | نفوذ واژگان فارسی در ادب عربی                             |
| ۱۳۶ | انتقال علم نجوم از ایران                                  |
| ۱۳۸ | اختلاط دو ادب ایرانی و عباسی                              |
| ۱۴۰ | تأثیر نثر فارسی در نثر عربی                               |
| ۱۴۳ | تحلیل طه حسین از تحوّل نثر عربی                           |
| ۱۴۶ | وصیت‌نامه‌نویسی در ایران باستان                           |
| ۱۴۷ | تأثیر توقیعات شاهان ایرانی در ادب عربی                    |
| ۱۵۰ | اهمیت پند و اندرز در ایران باستان                         |
| ۱۵۳ | پندنویسی ایرانیان باستان بر ابزار و لوازم زندگی           |
| ۱۵۴ | استقبال عرب‌ها از حکمت ایرانی                             |
| ۱۵۷ | اهمیت نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در فرهنگ عربی              |
| ۱۵۸ | حکمت‌های ایرانی در اشعار شاعران عرب                       |
| ۱۶۰ | نفوذ امثال فارسی به ادب عربی                              |
| ۱۶۱ | امثال مولّد، تحفه‌ای ایرانی                               |
| ۱۶۱ | حکمت‌های ایرانی در امثال مولّد                            |
| ۱۶۲ | ردّ پای امثال مولّد در آثار ابن مقفع                      |
| ۱۶۲ | واژگان فارسی در امثال مولّد                               |
| ۱۶۲ | ادب مولّد                                                 |
| ۱۶۴ | مضامین ایرانی در کنار آیات قرآن کریم                      |

|     |                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------|
| ۱۶۴ | مضامین ایرانی در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید                 |
| ۱۶۴ | بازتاب خردگرایی ایرانیان در منابع عربی                          |
| ۱۶۶ | بلاغت در ایران باستان                                           |
| ۱۶۹ | گم شدن امثال و حکم ایرانی در امثال عرب                          |
| ۱۷۰ | زهد ایرانی در ادب عباسی                                         |
| ۱۷۳ | همسویی و اشتراک اندیشه‌های ایرانی و اسلامی                      |
| ۱۷۵ | رابطه تاریخ‌نگاری اسلامی و فرهنگ ایرانی                         |
| ۱۷۵ | بازتاب دیانت ایرانیان باستان در منابع عربی                      |
| ۱۷۸ | بازتاب عدالت‌انگیزیان قبل از اسلام در منابع عربی                |
| ۱۸۰ | مقایسه دیدگاه‌ها- ایرانیان باستان و فرهنگ عربی درباره مقام معلم |
| ۱۸۲ | دیدگاه ایرانیان درباره آموزش و کتاب                             |
| ۱۸۳ | توصیه به خواندن کتاب                                            |
| ۱۸۳ | توصیه به فراگیری دانش                                           |
| ۱۸۳ | نقش دو فرهنگ ایرانی و یونانی، فرهنگ عربی                        |
| ۱۸۸ | تفاوت فرهنگ ایرانی و یونانی                                     |
| ۱۹۰ | عرب‌زدگی در شرح متون ادب فارسی                                  |
| ۱۹۵ | تعرب، عامل ابهام در فرهنگ و ادب ایران                           |
| ۱۹۵ | اهمیت زبان و ادب عربی در تبیین متون فارسی                       |
| ۱۹۹ | یادداشت‌ها                                                      |
| ۲۲۳ | واژه‌نامه                                                       |
| ۲۳۱ | منابع و مأخذ                                                    |

## مقدمه

### فرهنگ و ادب ایرانیان باستان

بدا به حال ملّتی که از غنای فرهنگی و فکری تهی باشد و بدتر از آن، وای بر ملّتی که فرهنگی بارور و اندیشه‌ای روشن دارد. اما به سبب خودباختگی و غفلت از آن، بی‌خبر است. و اسف‌بار تر از آن، ملّتی است که همه‌چیز دارد اما با خود زنی و تخریب گذشته، فرهنگ خود را عقیم می‌کند. ناچیز انگاشتن پیشینه فرهنگی و تاریخی موجب افوار اضمحلال ملّت‌هایی است که گذشته درخشان داشته‌اند. انکار فرهنگ و تمدن گذشته ایران، وحدت ملّی، استقلال و تفوق این ملّت بر دیگر ملل جهان نتیجه‌ای جز دل‌سردی و رکود ندارد. نادیده گرفتن جانفشانی‌ها، فداکاری‌ها و وطن‌پرستی‌های نیاکان ما موجب تفرقه، نفاق، ضعف، ناامیدی و انزوای سیاسی و اجتماعی است. برای ساختن فرایندی استوار و استحکام پایه‌های استقلال و ایجاد روح مقاومت در برابر دشمنانی که همواره چشم طمع به این آب‌حاکم داشته‌اند لازم است مجد و عظمت گذشته ایرانیان فریاد جوانان گردد تا با شوری در دل و سودایی در سر، گشته را چراغ راه خود قرار داده با اعتماد به نفس، کمر همت بسته با اراده‌ای قوی، گام‌های استوار در راه ساختن فردای بهتر بردارند. در غیر این صورت ظرف وجودی آنها خالی شده، آماده پذیرش مکب‌های وارداتی و قربانی تهاجم فرهنگی دشمنان می‌شوند. ملّتی که گذشته درخشان خود را پیش چشم جوانانش نمی‌گذارد فرهیختگانش، مید، اندیشمندانش منزوی، جوانانش آرزومند جلای وطن و مغزهای بارورش در اندیشه فرار هستند. در چنین کسری منافع شخصی مقدم بر منافع ملّی شده برای رسیدن به اهداف فردی، قانون زیر پا گذاشته می‌شود، خیانت و فساد گسترش می‌یابد.

مردم این سرزمین نه تنها پیشینه‌ای برجسته و والا داشته‌اند که منشأ تحول و توسعه فرهنگ و ادب عربی بوده‌اند، به گونه‌ای که همه محققان و صاحب‌نظران به این حقیقت اقرار دارند که دوران طلایی و سنگ و ادب عربی در سایه نفوذ و حاکمیت فرهنگ و ادب ایرانی به وجود آمد و اگر ایرانیان نکردن باعث از دین اسلام نمی‌گذاشتند، ادب عباسی به این پایه از رشد و اعتلاء نمی‌رسید، فرهنگی که تمدنی باشکوه و غنی به نام فرهنگ و ادب اسلامی به وجود آورد و در دوره‌های بعد، در جنگ‌های صلیبی، خود از عوامل رشد و توسعه تمدن مغرب زمین گردید. به یقین معرفی مؤلفه‌های فرهنگی و علمی این مرز و بوم و ترسیم آثار آن در دوره عباسی از مهم‌ترین عوامل و بلندترین گام‌ها در ایجاد روحیه اعتماد به نفس، تقویت اراده ملّی و یکپارچگی و وحدت مردم ایران در مقابل تهاجمات نظامی و مهم‌تر از آن تهاجم فرهنگی است.

محمدی ملایری (۱۳۸۴: ۱۸-۱۹) از مقدمه مقالات تحقیقی سه تن خاورشناس نامی فرانسه (رنه گروسه، لوی ماسینیون و هانری ماسه) که به نام «روح ایران» در فرانسه منتشر شده، نقل کرده است: «سرزمین ایران چون دژی

استوار یکی از کهن‌ترین تمدن‌های قدیم را در خود حفظ کرده، تمدنی که از پنجاه قرن به این طرف، پیوسته تجدید شده و به طرز حیرت‌آوری ادامه یافته است... مشعلی که بدین گونه در بامداد تاریخ بر فراز فلات ایران افروخته گردید، هرگز خاموش نشد. محمدی در ادامه می‌نویسد: «این عبارت از آن رو عیناً نقل گردید تا این مطالب برای اطلاع دانشجویان ایرانی که این کتاب را به درس می‌خوانند، بر آن افزوده شود: این سخنان گرافه نیست و حقیقت واقع است و برای روشن ساختن این حقیقت باید هر چه بیشتر درباره منابع قدرت فرهنگ و تمدن ایران و ریشه‌های آن که تا اعماق تاریخ فرورفته، در تمام دوره‌های تاریخی آن، مخصوصاً دوره‌هایی که ملت ایران با فقدان قدرت سیاسی و نظامی تنها به نیروی فرهنگ و تمدن خود، از میان حوادث خردکننده تاریخ، پیروز و سربلند بیرون آمده، با کمال صبر و بردباری، بدون هیچ گونه تعصب و جانبداری، به مطالعه و تحقیق پرداخت. ما با کمال تأسف باید این حقیقت تلخ را هم بپذیریم که ما در راه شناختن و شناساندن خود، خیلی کم پیش رفته‌ایم و کار ناکرده در این زمینه بسیار داریم.

بسیاری از محققان شکست سیاسی و نظامی ایرانیان از عرب‌ها را شکست فرهنگی و معنوی نمی‌دانند زیرا از یک سو ایرانیان عشق به فرهنگ، آداب و سنن خود را از دست ندادند و از دیگر سو قوم غالب نیز از فرهنگی فراگیر برای اداره دولت اسلامی محروم بود.<sup>(۱)</sup> خلافت عباسی به پایداری ایرانیان بنیان نهاده شد و خاندان‌هایی چون آل نوبخت و آل برمک، در کنار کاتب و مترجمانی چون عبد الحمید کاتب و ابن مقفع، تمدن و فرهنگ ساسانیان را در اختیار خلفایی قرار داد که هیچ تأریه سیاسی برای اداره دولت بزرگ اسلامی نداشتند. به ناچار در این حکومت همه چیز رنگ و بوی ایرانی گرفت، آیین‌های ایرانی چون جشن‌های نوروز و مهرگان، سکه‌های رایج، نوع لباس و... همگی تقلیدی از ایرانیان بود تا آنجا که ابن خلدون، جاحظ و برخی مستشرقان، دولت عباسی را دولت ایرانی و ساسانی نامیده‌اند.

در حکومت عباسی، شاعران، مترجمان، دانشمندان و نویسندگان ایرانی تا، با حمایت بی‌دریغ روبرو شدند زیرا یکی محتاج بود و دیگری مشتاق. در این میان کتاب‌های بسیاری از زبان به عربی ترجمه شد. زبان فارسی در دربار خلافت عباسی رایج و فرهنگ ایرانی به شدت مورد استقبال عرب واقع شد. آثار ابن مقفع آنقدر مورد توجه قرار گرفت که جاحظ کتاب‌های خود را به نام ابن مقفع به مردم معرفی می‌کرد تا مقبول مردم شود. حکمت‌های بزرگمهر و دیگر حکیمان ایرانی در کنار احادیث اسلامی برجستگی یافت. از این رهگذر واژه‌های ایرانی بسیاری به ادب عربی سرازیر شد. نفوذ این مهمانان ایرانی به قدری گسترده بود که اخفش شاگردانش را از کاربرد واژه‌های فارسی منع می‌کرد. نفوذ واژه‌ها و اصطلاحات ایرانی به بغداد محدود نشد مرزها را شکست و به سرزمین‌های دور چون کشورهای افریقایی سرایت کرد.<sup>(۲)</sup> استقبال از زبان فارسی به قدری گسترش یافت که بچه‌های کوفه در کوچه و بازار اشعار فارسی می‌خواندند تا آنجا که احساس خطر از گسترش زبان فارسی در میان عرب‌ها آنقدر افزایش یافت که عده‌ای متوسل به جعل احادیثی با این مضمون گردیدند که زبان قهر خداوند و اهل جهنم فارسی است. از پیامبر (ص) و امامان شیعه عبارات و جمله‌های فارسی نقل گردید.

طرح این گونه مباحث، علاوه بر اینکه غبار سنگین ابهام را از فرهنگ و ادب ایرانیان قبل از اسلام کنار می‌زند، دریچه‌ای است برای دستیابی به پیشینه فرهنگی و علمی مردم این سرزمین که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. از دیگر سو زمینه مناسب و قابل تأملی است برای کسانی که می‌خواهند خارج از حدود سنتی و مرسوم، سرچشمه‌ها و عوامل مؤثر در رشد و تحول ادب عربی را بشناسند.

استاد فؤاد افرام البستانی رئیس دانشگاه لبنان که خود یکی از محققان به نام جهان عرب و مؤلف بسیاری از کتب تاریخی و ادبی و از آن جمله دائرة المعارف عربی است درباره نتایج این گونه تحقیقات در روشن ساختن راه محققان تاریخ و ادب عرب، در مقاله مفصلی از جمله چنین نوشت: «... و از نتایج آن اینکه امروز دیگر این مسئله برای ما روشن شده است که تا وقتی دانشمندان عرب، زبان فارسی را هم از لحاظ قواعد و دستور و هم از نظر ادب، به خوبی نمی‌نگرند نه محقق و ادیب عرب می‌تواند ادبیات عربی و به خصوص ادبیات دوره عباسی را چنانکه باید بفهمد - و نه شناسایی تمدن عربی و اسلامی برای دانشمندان عربی میسر می‌گردد...» (محمّدی ملایری، ۱۳۸۴: ۱۵)

راقم این سطور، ضمن جدت طلبی، خواننده به این نکته که «به راستی پس از گذشت بیش از پنجاه سال از بیان این حقیقت تلخ، محققان ما چقدر هم‌اکنون برای شناخت فرهنگ و ادب نیاکان ما برداشته‌اند؟» مدعی است که در این تحقیق توانسته است پرده از بسیاری از اندک و ناچیز از این واقعیت فراموش شده بردارد و با استناد به «حدیث دیگران» بخشی از «سر دلبران» را آشکار کند حقیقتی که نشانه‌های آن با باریکی‌هایی کم‌نظیر علی اکبر دهخدا و روانشاد محمد محمدی ملایری برای پژوهشگران و عاشقان فرهنگ و ادب ایران مشخص گردید ولی با وجود گذشت نیم قرن از زمان این سخن، رهروان این نوع پژوهش‌ها هنوز در ابتدای راه قرار دارند، به این امید که از این راه تاریک و نفس‌گیر، رهروانی عاشق تازه‌نفس، راه به روشنایی یابند.

در اینجا چند سؤال اساسی وجود دارد که امید است این پژوهش‌توفان آنها را داشته باشد:

- ۱- چرا شکوفایی ادب عربی در مکه و مدینه که خاستگاه دین اسلام است، صورت نگرفت و در سرزمین عراق یعنی دل ایرانشهر این اتفاق صورت گرفت؟
- ۲- چرا چهره‌های شاخص فرهنگ و ادب عربی ایرانی هستند؟
- ۳- آیا تحول فرهنگ عربی یک سیر طبیعی داشته است؟
- ۴- رابطه سکوت ایرانیان با شکوفایی ادبیات عرب چیست؟
- ۵- چرا آگاهی مردم ایران از فرهنگ قبل از اسلام در این سرزمین اندک و ناچیز است؟ (محمّدی ملایری، ۱۳۷۹: ۴۴/۱-۴۶)

با همه تلاشی که صورت گرفته همزمان با شادروان دکتر محمد محمدی ملایری که در چاپ اول کتاب «فرهنگ ایرانی پیش از اسلام» آورده: «هرگاه این کتاب وسیله الهام جوانان دانشمند ما گردد تا با تحقیقات ژرف‌تری در آینده پرده ابهام از روی قسمت‌های ناروشن تاریخ ایران بردارند، نویسنده پاداش خود را دریافته است» (محمّدی ملایری، ۱۳۸۴: ۲۰) ضمن اقرار به بضاعت مزجاة، امید داریم که این نوع تحقیقات زمینه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر فراهم سازد.

### چند نکته دربارهٔ این اثر:

هدف ما در این کتاب ارائهٔ متنی عربی، متنوع و هدفدار، با استناد به منابع عربی قدیم و جدید، به دانشجویان و علاقمندان زبان و ادبیات عربی است تا علاوه بر قرائت متون عربی، با فرهنگ و ادب گمشدهٔ ایرانیان قبل از اسلام و تأثیر آن در تمدن اسلامی آشنا شوند. در این پژوهش به بیش از چهار مقاله از مؤلف ارجاع داده شده که در پژوهش‌های ایران‌شناسی دیده نمی‌شود و همگی برای اولین بار مطرح شده است. همچنین استناد به منابع تاریخ ادبیات معاصر از ویژگی‌های این تحقیق است.

شایسته است که یاد و نام زنده‌یاد محمد محمدی ملایری را به عنوان یکی از پیشگامان توانا و مایه‌ور در پژوهش‌های ایران‌شناسی گرامی بداریم و برای رهرو پرتوان و باریک‌بین این مسیر ناهموار و نفس‌گیر، زنده‌یاد دکتر آذرنش آذرنوش آرزوی بهروزی و تندرستی داشته باشیم، که از طریق کاوش در منابع عربی بسیاری از حقایق پنهان فرهنگ ایرانی را معرفی کرده‌اند.

از آنجا که به سبب وجود دو جریان قدرتمند شعوبی و ضد شعوبی، بسیاری از مباحث این کتاب مورد اختلاف است، تشخیص حق را باطل، سره از ناسره در آنها بسیار دشوار است و تأمل و تعمق فراوان می‌طلبد؛ به همین سبب در بسیاری از مباحث این کتاب، از اظهار نظر خودداری کرده به نقل سخنان دیگران اکتفا کرده راه را برای نقد و بررسی باز گذاشته‌ایم به این امید که بین سرخ‌ها در پژوهش‌های دیگری به رشته‌های محکم منتهی گردد. اختلاف سلیقه و دیدگاه‌های مثبت و منفی نسبت به جریان‌های تاریخی و فرهنگی امری طبیعی است و از جمله حقوق فردی و اجتماعی انسان‌هاست که آنها را از آنجا که بایز ذکر است اینکه در مباحث علمی و فضای پژوهشی جز معیارهای منطقی و عقلانی چیزی نباید حاکم شود. همین سبب مؤلف این اثر با قدم نهادن در جاده احتیاط و احتراز از گزافه امید فراوان دارد که تازیانه خشن مفاد و سرزنش، جای خود را به عیار گرانقدر نقد و سنجش گرانسنگ انصاف و حقیقت‌جویی دهد.

خاطری چند اگر از تو شود شاد پس است / ز دلگرمی به مراد همه کس نتوان کرد

در پایان ذکر دو نکته بایسته می‌نماید: نخست آنکه هدف از این پژوهش، نه من زدن به آتش سوزان ملی‌گرایی و ترویج بازار خودفروشی نیست بلکه مقصود اشاره به دیدگاه‌های دیگران در باب فرهنگ و تمدن ایران است، در جایی که یگانگان زبان به تحسین و آفرین ایرانیان گشوده‌اند و جهان از نا آوارهٔ آنها پر شده است این از ضایعات جبران‌ناپذیر فرهنگی و ملی است که صاحبان اصلی این افتخارات از آن محفل باشند و یا تغافل کنند. دو دیگر اینکه تأمل در فضایل این مرز و بوم اهورایی هرگز منافاتی با دین حنیف احمدی (ص) و آیین سمدی او ندارد زیرا این دو به منزلهٔ دو بال هستند که اعتدال و توازن، جز با حضور و مشارکت آن دو ایجاد نمی‌گردد.

در اینجا لازم است مراتب قدردانی و سپاس خود را از دقت نظر و باریک‌بینی سرکار خانم صدیقه رضایی در ویرایش، صفحه‌پردازی و طرح جلد این کتاب اعلام نمایم زیرا اگر تلاش درخور تحسین نامبرده نبود این کتاب به شکل کنونی سامان نمی‌یافت.

وحید سبزیان‌پور

دانشگاه رازی، زمستان ۱۳۹۴

D\_sabzianpoor